

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه چهل و ششم ۹۵/۱۰/۲۷

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله

بحث ما در رابطه با موضوع صحابه بود؛ عرض کردیم عمده اختلاف ما با اهل سنت به مسئله صحابه برمی‌گردد. اهل سنت برای تمامی صحابه عدالت، بلکه عصمت، و چه بسا فوق عصمت قائل هستند و سنت صحابه را در ردیف سنت رسول گرامی اسلام تلقی می‌کنند. و همچنین عمل صحابه را در تمامی موارد از جمله در بحث خلافت به عنوان یک عمل صحیح و مطابق با واقع و حق می‌دانند و شیعه را تخطئه می‌کنند!!

در مورد تعداد صحابه بیان کردیم که آن‌ها ۱۲۰ هزار نفر را می‌شمارند؛ با اینکه اسامی کمتر از ده هزار نفر از صحابه را به ثبت رساندند. از میان این ده هزار نفر کمتر از هزار نفر روایت نقل شده است و از میان این هزار نفر حدود ششصد نفر تک روایتی یا دو روایتی هستند.

در جلسات گذشته عرض کردیم که آقایان در مورد تعریف صحابه اتفاق نظر نداشتند که صحابه به چه کسی می‌گویند. کسی که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) را مطلقاً دیده باشد، ولو برای یک لحظه؛ آیا می‌توان او را صحابه بدانیم یا نه؟! آن‌ها در پاسخ به این سؤال میان خود اختلاف داشتند و هرکسی به طریقی نظر داده است.

عمده بحث در اینجا است که بر فرض صحابه همین تعدادی که بیان شد باشند یا همان ۴۰ نفری که از مشاهیر صحابه هستند، باشند؛ ادله اهل سنت بر عدالت جمیع صحابه و اینکه همه صحابه اهل بهشت، عادل و معصوم هستند و

گناهشان به هیچ وجه نوشته نمی‌شود؛ چیست؟!!

ما در ابتدا به سراغ آیات قرآنی می‌رویم که آن‌ها استدلال کردند. اولین آیه‌ای که اهل سنت در مورد عدالت صحابه به آن استدلال کردند، آیه ۱۴۳ از سوره مبارکه بقره است.

(وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يُكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا)

و ما شما را اینچنین امتی وسط قرار دادیم تا شاهدان بر سایر مردم باشید و رسول بر شما شاهد باشد.

سوره بقره (۲): آیه ۱۴۳

اگر ما بخواهیم در این قسمت سؤال طرح کنیم، می‌گوییم اولین آیه‌ای که اهل سنت به آن استدلال کردند چیست و تحلیل آن‌ها چگونه است؟! پاسخ ما از استدلال اهل سنت بر آیه ۱۴۳ سوره مبارکه بقره چیست؟!

استدلال این است که اهل سنت معتقدند کلمه **(وَسَطًا)** در این آیه شریفه به معنای عدول و خیار است و خطاب آیه هم مباشرتا صحابه هستند. در این زمینه روایتی از «بخاری» و دیگران نقل کردند که می‌گوید:

«وَهُوَ قَوْلُهُ جَلَّ ذِكْرُهُ (وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ) وَالْوَسْطُ الْعَدْلُ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن

كثير، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ۳، ص ۱۲۱۵، ح

۳۱۶۱

یعنی خداوند متعال می‌فرماید: ما شما صحابه را امت عادل قرار دادیم. به تعبیر «دکتر طیب» شیخ الأزهر عدالت صحابه از فوق هفت آسمان نازل شده است!!

به تعبیر بهتر عدالت صحابه مبتنی بر اعمال صالح آن‌ها نیست؛ این افراد چه اعمالی داشته باشند و چه اعمالی نداشته باشند خداوند متعال آن‌ها را عادل آفریده است. همچنین این آیه ناظر به عدالت صحابه است!!

جوابی که ما در اینجا می‌توانیم بدهیم این است که:

اولاً: کلمه **(وَسْطًا)** که به معنای عدالت آوردند، آیا واقعاً به معنای عدالت است یا به معنای حد متوسط و مخالف افراط و تفریط است؟!

ثانیاً: کلمه **(أُمَّةً)** تنها خطاب به صحابه است یا خطاب به تمام امت اسلامی تا روز قیامت است؟!

روشن و واضح است که آیه شریفه تمام امت اسلامی را مدح می‌کند و می‌فرماید: شما امت معتدل هستید، زیرا نه راه افراط پیموده‌اید و نه راه تفریط. نه راه تقصیر و کوتاهی پیموده‌اید و نه راه غلو. نه همانند یهود مادیت را ملاک قرار دادید و نه مانند نصاری رهبانیت را.

امت اسلامی هم کمال روح را می‌پسندد و دنبال اوست و هم کمال مادیت را می‌پسندد. اگر انسانی بخواهد به کمال برسد، باید در دو حوزه به کمال برسد؛ هم در مسائل مادی و هم در مسائل معنوی.

اهل سنت ادعا کردند که **(وَسْطًا)** به معنای عدالت است، اما در لغت و در تفاسیر اهل سنت ما نمی‌بینیم کلمه **(وَسْطًا)** به معنای عدالت آمده باشد. **(وَسْطًا)** به معنای عدالت، خیریت و افضلیت هم هست؛ اما در کنار آن هم حد وسط و حد معتدل نیز هست. به معنای اینکه راه افراط و تفریط طی نشده است. در تفسیر «فی ظلال القرآن» وارد شده است:

«أُمَّةً وَسْطًا.. فی التصور والاعتقاد.. لا تغلو فی التجرد الروحی ولا فی الارتکاس المادی»

فی ظلال القرآن، المؤلف: سید قطب إبراهيم حسين الشاربي (المتوفى: ۱۳۸۵ هـ)، الناشر: دار الشروق -

بيروت - القاهرة، الطبعة: السابعة عشر - ۱۴۱۲ هـ، ج ۱، ص ۱۳۱، ح ۱۴۳

یعنی امت اسلامی در تصورات و تفکرات و اعتقاداتش امت معتدلی است. امت اسلامی بین روح و ماده، بین واقعیت و خیال، بین کارهای ساده و کارهای متغیر، و در کارهای فردی و کارهای اجتماعی معتدل است.

امت اسلامی در کارهای مستحب و مجاز و همچنین کارهایی که باید نسبت به آن سختگیری صورت بگیرد، معتدل است. امت اسلامی از طفولیت تا مرحله‌ای که به عقل کامل برسد در وسط زمان است.

بعضی افراد مطرح کرده اند که «من لا معاش له، لا معاد له». البته دقت کنید معمولاً این مطلب را به عنوان حدیث خرج می‌کنند. ما تلاش کردیم که ببینیم روایتی در کتب شیعه و اهل سنت از رسول گرامی اسلام مبنی بر «من لا معاش له، لا معاد له» آمده یا نه، اما پیدا نکردیم!

بله روایت

«كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا»

الأمالی، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ص ۲۹۵، ح ۶

هست و روایات متعددی با این مضمون داریم. اما در مورد «من لا معاش له، لا معاد له» شاید در حقیقت خلاصه‌ای از روایاتی باشد که در این زمینه آمده است.

به عنوان مثال روایتی تحت عنوان «الصلاة معراج المؤمن» نداریم. در حقیقت این مطلب خلاصه‌ای از روایاتی است که در این زمینه آمده است.

بنابراین «من لا معاش له، لا معاد له» را نتوانستیم پیدا کنیم. فرضاً روایت هم باشد، به این معنا نیست که هرکسی دنیا و مادیت ندارد، آخرت هم ندارد.

دقت کنید که کلمه «معاش» در روایت «من لا معاش له» به معنای مادیت نیست، بلکه مراد از «معاش» به معنای کسی است که برای زندگی برنامهریزی و همت و تلاش ندارد. کسی که برای رفاه حال خود و همسر و فرزندان هیچ تلاشی نمی‌کند و در گوشه‌ای افتاده است؛ فردی که برای زندگی دنیوی‌اش تلاش نمی‌کند و معاش زندگی را تأمین نمی‌کند، قطعاً برای آخرت خود هم تلاش نخواهد کرد. یعنی افرادی که در تأمین امور زندگی بی‌عرضه هستند، در تأمین امور اخروی هم بی‌عرضه هستند.

همان‌طور که در منابع اهل سنت بیان شده است که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«فاعمل عمل امریء یظن أن لن یموت أبدا»

در کارهای دنیا آنچنان عمل کن که گویا جاودانه زنده خواهی بود.

یعنی در مسائل زندگی، تأمین هزینه‌های زندگی، معاش، شغل، رتبه، مقام، تأمین هزینه‌های همسر و فرزندان آنچنان عمل کن که گویا همیشه در دنیا زنده خواهی بود.

«واحذر حذرا یخشی أن یموت غدا»

نسبت به آخرت هم آنچنان عمل کن که گویا فردا از دنیا خواهی رفت.

سنن البیهقی الکبری، اسم المؤلف: أحمد بن الحسین بن علی بن موسی أبو بکر البیهقی، دار النشر: مكتبة

دار الباز - مكة المكرمة - ۱۴۱۴ - ۱۹۹۴، تحقیق: محمد عبد القادر عطا، ج ۳، ص ۱۹، ح ۴۵۲۱

مشاهده کنید که «من لا معاش له، لا معاد له» اگر به این معنا باشد خوب است. همچنین در کتاب «من لا يحضره الفقيه» چند روایت زیبا وجود دارد که حیفم آمد آن‌ها را نیاورم.

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که در فرمایش خداوند عالم مبنی بر:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»

فرمودند:

«رِضْوَانُ اللَّهِ وَ الْجَنَّةُ فِي الْآخِرَةِ وَ السَّعَةُ فِي الرِّزْقِ وَ الْمَعَايِشِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ فِي الدُّنْيَا.»

مراد از حسنه، رضوان الله و بهشت در آخرت و همچنین وسعت روزی و معایش زندگی و خوش اخلاقی در دنیا است.

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۳، ص ۱۵۶،

ح ۳۵۶۶

همچنین امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«نِعْمَ الْعَوْنُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ»

دنیا بهترین کمک برای آخرت انسان است.

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۳، ص ۱۵۶،

ح ۳۵۶۷

حال معنای «نِعْمَ الْعَوْنُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ» تنها این نیست که اگر کسی ثروتی دارد، می‌تواند انفاق کند و مسجد و مدرسه و بیمارستان بسازد تا آخرت خود را تأمین کند؛ بلکه قدر متیقنش به این معناست که:

«الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حَلَالٍ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۳، ص ۱۶۸،

ح ۳۶۳۱

کارگری که هیچ چیزی در زندگی ندارد، اما صبح از خانه بیرون می‌آید با این نیت که تا غروب کار کند و برای خانواده خود معاشی تهیه کند مصداق بارز «كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» است.

وقتی مردی به خانه می‌آید و برای همسر و فرزندش هدیه می‌گیرد و به آن‌ها می‌دهد، خداوند متعال بالاترین پاداش را به او می‌دهد. در روایت دیگری وارد شده است:

«لَيْسَ مِثْلًا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَ لَا آخِرَتَهُ لِدُنْيَاهُ»

کسی که دنیا را به خاطر آخرت و آخرت را به خاطر دنیا ترک کند، مسلمان نیست.

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۳، ص ۱۵۶،

ح ۳۵۶۸

اگر ما بخواهیم امت وسط را خوب ترسیم کنیم، با این روایت به خوبی می‌توانیم ترسیم کنیم. نه همانند یهود تنها در پی دنیا بودن و نه همانند مسیحیت تنها در پی آخرت بودن! شبیه روایتی که در کتب اهل سنت داشتیم، بیان شده است.

«رُوی عَنِ الْعَالِمِ عَ أَنَّهُ قَالَ»

غالباً کلمه «رُوی عَنِ الْعَالِمِ» انصراف به امام کاظم (علیه السلام) دارد و بعضاً از امام هادی و امام حسن عسکری (علیهم السلام) هم بوده است. چون در زمان امام کاظم (علیه السلام) تقیه شدیدی وجود داشت، معمولاً از امام کاظم (علیه السلام) تعبیر به عالم شده است.

«اغْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا»

برای دنیا آنچنان عمل کن که گویا همیشه در دنیا خواهی ماند.

«وَ اغْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا»

برای آخرت چنان عمل کن که گویا فردا از دنیا خواهی رفت.

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۳، ص ۱۵۶،

ح ۳۵۶۹

همچنین از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) روایتی نقل شده است که می‌فرمایند:

«نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ الْغِنَى»

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۳، ص ۱۵۶،

ح ۳۵۷۰

این روایات علاوه بر کتاب «من لا يحضره الفقيه» اثر مرحوم «شیخ صدوق»، در کتاب «روضه المتقین» شرح «من لا يحضره الفقيه» اثر «محمد تقی مجلسی» و همچنین کتاب «وسائل الشیعه» اثر «شیخ حر عاملی» نقل شده است.

طبق روایاتی که اهل سنت آوردند و شیعه از اهل بیت (علیهم السلام) دارند، امت وسط به معنای امت معتدل است.

امت وسط به معنای امتی است که هم باید دنیا را تأمین کند و هم زندگی آخرت خود را سامان دهد.

در حقیقت ظهور اسلام در یک مقطعی صورت گرفته است که تابعین ادیان آسمانی تعدادی کمی داشتند و منحصرأ

در مکه زندگی می‌کردند. در مدینه آن زمان یک جامعه دو قطبی شکل گرفته بود که یک قطب آن به طرف یهودیان

بود که عمدتاً تمام تلاش خود را برای تهیه زر و زیور دنیا و رسیدن به قدرتهای مادی انجام می‌دادند.

در مقابل، دسته دیگر هم مسیحی‌ها بودند که به هرجایی می‌رفتند صومعه‌ای بنا می‌کردند و چند نفر عابد مشغول

عبادت بودند و مردم را به زهد و کناره‌گیری از مسائل دنیوی و پرداختن به عبادت ترغیب می‌کردند.

لذا قرآن کریم می‌فرماید: شما نه راه یهود معاصر و نه راه مسیحیت را بپیمایید؛ بلکه امت وسط و معتدل هستید.

بنابراین این آیه کاملاً بیانگر این است که امت اسلامی، امت معتدلی است.

نکته دیگر این است که این آیه اختصاص به صحابه ندارد. درست هست که مراد از «مَنْ خُوطِبَ» صحابه هستند، اما

آیا خطاب آیه به صحابه مخصّص است؟! اگر این‌طور باشد که دیگر سنگی روی سنگ بند نمی‌شود!!

در این صورت آیه شریفه:

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ)

نماز کنید و زکات دهید.

سوره بقره (۲): آیه ۴۳

منحصر به صحابه خواهد بود، زیرا مخاطب اولیه آیات آن‌ها هستند. همچنین در مورد:

(كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ)

روزه بر شما واجب شده همان طور که بر اقوام قبل از شما واجب شده بود.

سوره بقره (۲): آیه ۱۸۳

اگر بخواهیم این طور تصور کنیم، باید بگوییم کسانی که بعد از آنها می آیند دیگر صیامی بر آنها مترتب نیست. بنابراین این حرفی که آقایان می زنند که خطاب اولیه صحابه بوده و عدالت صحابه را تثبیت می کند، حرفی کاملاً غیرمنطقی است.

لذا بزرگان اهل سنت از جمله «جصاص» در کتاب «أحكام القرآن» می گوید:

«وكذلك جعلناكم أمة وسطا) هو خطاب لجميع الأمة أولها وآخرها من كان منهم موجودا في وقت نزول الآية

و من جاء بعدهم إلى قيام الساعة»

سپس می گوید:

«كما أن قوله تعالى (كتب عليكم الصيام كما كتب على الذين من قبلكم) وقوله (كتب عليكم القصاص) و نحو

ذلك»

در ادامه می گوید:

«من الآي خطاب لجميع الأمة كما كان النبي مبعوثا إلى جميعها»

از آیات به جمیع امت خطاب شده است؛ همان طور که نبی مکرم هم مبعوث به جمیع امت هستند.

«من كان منهم موجوداً في عصره ومن جاء بعده قال الله تعالى إنا أرسلناك شاهداً ومبشراً ونذيراً وداعياً إلى

الله يذنه وسراجاً منيراً وقال تعالى (وما أرسلناك إلا رحمة للعالمين)»

سپس می‌گوید:

«وما أحسب مسلماً يستجيز إطلاق القول بأن النبي لم يكن مبعوثاً إلى جميع الأمة أولها وآخرها»

گمان نمی‌کنم هیچ مسلمانانی به خودش اجازه بدهد که بگوید نبی مکرم مبعوث به جمیع امت نبوده است و

اگر این‌طور باشد نظم شریعت به هم خواهد ریخت.

أحكام القرآن، اسم المؤلف: أحمد بن علي الرازي الجصاص أبو بكر، دار النشر: دار إحياء التراث العربي -

بيروت - ١٤٠٥، تحقيق: محمد الصادق قمحاوي، ج ١، ص ١١٠، باب القول في صحة الإجماع

البته مفسرین دیگر هم مطالبی در این زمینه دارند، اما همین یک مورد کفایت می‌کند. علاوه بر آن، عقل یک مُسَلِّم

و سیاق آیات و روایات هم همین را ثابت می‌کند. لذا اگر بگوییم (وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا) خطاب به صحابه است

و عدالت صحابه را از طرف خداوند عالم تثبیت می‌کند، حرفی کاملاً بی‌منطق است.

بنابراین در جواب استدلال آقایان به این آیه چند جواب می‌دهیم:

جواب اول ما به این آیه این است که کلمه (وَسَطًا) به معنای عدالت نیست، بلکه به معنای اعتدال است.

جواب دوم این است که این آیه خطاب به جمیع امت است، نه به صحابه موجودین! در سیاق (كَتَبَ عَلَيْكُمْ

الصِّيَامِ) و (كَتَبَ عَلَيْكُمْ الْقِصَاصِ) و (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) و امثال آن به کار رفته است.

جواب سوم این است که بر فرض که این آیه خطاب به حاضرین باشد، ما از همین منطق قرآن کریم می‌خواهیم از شما سؤال کنیم که تمام حاضرین متصف به عدالت بودند یا نبودند؟! اگر همه این افراد متصف به عدالت بودند، آیه شریفه:

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلٰى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ)

هان ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر فاسقی خبری برایتان آورد تحقیق کنید تا مبدا ندانسته به قومی بی‌گناه حمله کنید و بعداً که اطلاع یافتید از کرده خود نادم شوید.

سوره حجرات (۴۹): آیه ۶

خطاب به چه کسانی است؟! همچنین آیه:

(إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا نَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ)

همانا آن گروه منافقان که به شما مسلمین بهتان بستند گروهی از خود شما هستند. آن تهمت را برای خود شرم‌پندارید بلکه برای شما خیر و ثواب است. برای هر شخصی از آنان، عقاب گناهی که مرتکب شده خواهد بود.

سوره نور (۲۴): آیه ۱۱

خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید: تعدادی از شما صحابه به همسر پیغمبر تهمت زنا زدید. این مطلب نشانگر این است که در میان همین صحابه انسان‌های فاسق و افراد منحرف و منافقین هم حضور داشتند!! حتی پیغمبر اکرم هم بعضی از آنان را نمی‌شناختند.

(وَ مِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النَّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ

مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يَرُدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ)

و بعضی از بادیه‌نشینان که اطراف شمایند منافق‌اند، و همچنین بعضی از اهل مدینه، که در نفاق فرو رفته‌اند، تو ایشان را نمی‌شناسی، ما می‌شناسیمشان، بزودی دوباره عذابشان خواهیم کرد، و آن گاه بسوی عذابی بزرگ برده می‌شوند.

سوره توبه (۹): آیه ۱۰۱

اگر این آیه شریفه خطاب به عموم باشد، تعارض لازم می‌آید و این مطلب به هیچ وجه قابل اثبات نیست.

جواب چهارم: آقایانی که در اینجا گفتند: اجماعی در کار هست و مراد از آن وسطیت به معنای عدالت هست، ما در جواب می‌گوییم که چنین اجماعی در اینجا نمی‌بینیم؛ مگر اینکه اجماع خیالی و موهومی باشد. «طبری» می‌گوید:

«وَأَنَا أَرَىٰ أَنَّ الْوَسْطَ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ هُوَ الْوَسْطُ الَّذِي بِمَعْنَى الْجِزْءِ الَّذِي هُوَ بَيْنَ الطَّرْفَيْنِ»

همواره وسط به جایی می‌گویند که دارای طرف راست و چپ و جلو و عقب باشد.

«مثل وسط الدار محرک الوسط مثقله»

ترازوهای قدیم دارای دو کفه بود و چوبی در وسط آن قرار داشت که در وسط آن میزانی می‌گذاشتند. زمانی که هر کدام از کفه‌ها پایین می‌رفت، این میزان به آن طرف می‌پیچید.

در حال حاضر هم در طلافروشی‌ها چنین ترازویی موجود است که نشانگر این است که دو کفه کاملاً یکسان و مساوی هستند.

«غير جائز في سينه التخفيف»

وسط را نمی‌توانید به صورت دیگر بخوانید.

«وأرى أن الله تعالى ذكره إنما وصفهم بأنهم وسط لتوسطهم في الدين فلا هم أهل غلو فيه غلو النصارى الذين غلوا بالترهب وقيلهم في عيسى ما قالوا فيه ولا هم أهل تقصير فيه تقصير اليهود الذين بدلوا كتاب الله وقتلوا أنبياءهم وكذبوا على ربهم وكفروا به»

سپس می‌گوید:

«ولكنهم أهل توسط واعتدال فيه فوصفهم الله بذلك إذ كان أحب الأمور إلى الله أوسطها»

جامع البيان عن تأويل آي القرآن، اسم المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن خالد الطبري أبو جعفر، دار النشر:

دار الفكر - بيروت - ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۶، باب البقرة: (۱۴۳) وكذلك جعلناكم

همچنان که در روایتی هم وارد شده است:

«خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا»

الكافي، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۶، ص

۵۴۱، ح ۱۸

همچنین «نسفی» هم این مطلب را این‌طور نقل می‌کند:

«(أمة وسطا) خيارا وقيل للخيار وسط لأن الأطراف يتسارع اليها الخلل والأوساط محمية»

اطراف همواره در معرض تهاجم و زوال است، اما کسی که در وسط قرار گرفته است همواره از اطراف حمایت می‌شود و در امنیت قرار می‌گیرد.

تفسیر النسفی، اسم المؤلف: النسفی، ج ۱، ص ۷۵، باب البقرة: (۱۴۳) وكذلك جعلناكم أمة... ..

تعبیر ایشان این است که «وسط» بر وزن «ضرب» نیست و حتماً باید «وَسَط» بخوانیم. امکان‌پذیر نیست که بخواهیم «س» را تخفیف بدهیم.

در هر صورت ایشان می‌گویند: همان‌طور که خداوند عالم قبله را میان مغرب و مشرق قرار داده است، شما را هم امت وسط میان علو و تقصیر قرار داده است.

در حقیقت این موارد تفاسیری است که در رابطه با آیه ۱۴۳ سوره مبارکه بقره وارد شده است و از این آیه عدالت صحابه اثبات نمی‌شود.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته